

کتاب الحشائش

یکی از نسخه‌های نفیس کتابخانه آستانه که تاکنون به نحو شایسته‌ای معرفی نشده کتابی است به نام **خواص الاشجار** (۱) که مبلنی نقاشی قدیمی واصل دارد و ظاهراً در دنیا منحصر به فرد است (۲) .

نخستین کسی که به اهمیت این نسخه پی برده و شرحی در معرفی آن نوشته مرحوم شیخ‌الرئیس افسر است (۳) .

مرحوم افسر در مجله دبستان چاپ مشهد (۴) مقاله‌ای دارد با عنوان « گنجینه معارف یا کتب نفیسه در کتابخانه رضویه » و در آغاز آن چنین می نویسد : (۵) . و چندی قبل که در کتابخانه آستان قدس با آقایان محترم (۶) برای نوشتن فهرست کتب حاضر می‌شدم بدو کتاب نفیس - که یکی در نبات و حیوان شناسی مصور و دیگری در فلاح است (۷) - برخوردم که شناسائی آنرا برای علاقه‌مندان بکتب و آثار قدیم شرق لازم دیدم، و بعد هر دو کتاب را به اختصار معرفی کرده است .

اسم کتاب را مرحوم افسر **خواص الشجر والحيوان** (۸) ضبط کرده و فهرستی هم از مندرجات آن و انواع داروهای که اسمشان در کتاب آمده ترتیب داده است که به قول خود او با استفاده از یادداشت‌های مرحوم فضل‌الله بدایع نگار (۹) تدوین و تکمیل شده است اما چون خود کتاب فهرست (۱۰) کاملی دارد باید گفت آقایان بزرگوار فهرست کتاب را استنساخ و خلاصه کرده‌اند .

بعد از این مقاله به فهرست کتابخانه آستانه می‌رسیم. در جلد سوم فهرست کتابخانه (۱۱) که در تیر ماه ۱۳۰۵ هـ - ش چاپ و چندی بعد نشر شده این نسخه به نام « **خواص الاشجار** » به شماره ۴۸ در جزو کتب خطی طب معرفی شده است . از انشاء مستوفیانه آن که بگذریم مطالب مفیدی در باره مؤلف اصلی کتاب دارد که اگر چه ماخذ آنها ذکر نشده ولی می‌شود حدس زد از کتابهایی نظیر کشف‌الظنون و وفیات الاعیان اقتباس شده است .

قسمتی هم که در معرفی نسخه است با همه ایجاز و اختصار بسیار مفید و ارزنده است و مشتمل است بر تعداد اوراق یا ابعاد نسخه (به آحاد قدیم: گره و بهره)، تاریخ وقف و اسم واقف. مخصوصاً زحمتی کشیده و آماری از نقاشی‌های کتاب تهیه کرده‌اند (۱۲).

اسم کتاب در فهرست آستانه خواص الاشجار یا پنج مقاله یا مفردات (۱۳) ضبط شده است.

سدیگر رساله تازه چاپ «مقدمه کتاب الحشائش والادویه» آقای دکتر صلاح‌الدین منجد است که به سال ۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۵ م از طرف مجمع اللغة العربیه دمشق نشر شده است. این رساله ۳۸ صفحه دارد: از صفحه ۳ تا ۱۸ مقدمه است و از صفحه ۱۹ تا ۳۸ متن دیباچه کتاب است که از نسخه کتابخانه آستانه نقل شده و با ترجمه اصطفی بن باسیل - ترجمه دیگری از همین کتاب - مقابله شده و در آخر چهار ورق عکس نمونه نقاشی‌های نسخه کتابخانه آستانه گذاشته شده است.

آقای دکتر منجد در مقدمه این رساله نوشته است: (۱۴) «در سفری که در سال ۱۹۶۰ م به ایران کردم این نسخه را از نزدیک دیدم و متوجه شدم کتابی منحصر به فرد و ممتاز است، سپس شرحی در باب مولف و اهمیت کتاب می‌نویسد که بسیار سودمند و خواندنی است و من نیز اهم مطالب آن را در این مقاله نقل کرده و سعی کرده‌ام هر جا مطلبی از آن می‌آورم متذکر بشوم تاحق زحمت دیگران ضایع نشود.

سرگذشت کتاب

این کتاب عربی است ولی اصل آن یونانی بوده است که بعد به سریانی ترجمه شده و از آن زبان به عربی در آمده است. مولف آن دیسکوریدس (۱۵) از طبیعی دانها و اطبای بزرگ یونان قدیم است. نویسندگان اسلامی اسم او را معرب کرده به صورت: دیسکوریدس (۱۶) دیسکوریدس (۱۷) دیاسکوریدس (۱۸) دیاسکوریدس (۱۹) - بر حسب اختلاف املاء و قرأت - ضبط کرده‌اند.

در باره سجایا و ملکات دیسکوریدس مطالب زیادی نوشته‌اند. نوع این مطالب همان است که در باره همه دانشمندان بزرگ قدیم ذکر شده و متکی بر نکته‌ای است که در روان‌شناسی علاقه به قدیم می‌گویند مثلاً نوشته‌اند به اولقب سائح (۲۰) داده بودند چون دائم

سیاحت می کرد یا همواره دور از مردم در کوهستانها (۲۱) بسر می برد. مردی بود صاحب نفس زکیه که (۲۲) پس از سیاحت بسیار در کوهها و بیابانها و دریاها خواص گیاهان را کشف کرد. و این عبارت از فهرست کتابخانه آستانه که مقام او را تاپینگری بالا برده است «وی در ۵۳۳۲ بعد از هبوط آدم! از محل خود عین زرب که قریه ایست نزدیک شام بهمین قصد خارج شد و ظهور یافت» (۲۳). مطالبی هم که راجع به وجه تسمیه وقفه اللغه اسم او نوشته اند از همین قماش است (۲۴). تردید نیست که دیسکوریدس مثل همه مردان بزرگ وقت خود را صرف تحقیق کرده و برای مردم مفید بوده است و جمع آوری اطلاعات در باره گیاهان و داروهای گیاهی که در آن وقت هنوز بدرستی روشن نبوده مستلزم تجربه و زحمت و صرف وقت و مطالعه و دقت بوده است ولی با تمام این تفصیلات غیر از این داستانها اطلاع قابل ملاحظه ای در باره او نداریم حتی اینکه در چه دوره ای زندگی می کرده به تحقیق معلوم نیست. نوشته اند طبیب ارتش بوده است ولی این که بعضی نوشته اند در قرن اول یا دوم میلادی می زیسته و معاصر نرون بوده است (۲۵) از روی حدس است نه یقین همین طور عبارت «چهل سال» (۲۶) مطالعه کرد را باید نتیجه تخیل نویسندگان دانست.

اما عین زرب - زادگاه (۲۷) دیسکوریدس - که در ماخذ عربی و اسلامی به صورتهای مختلفی از قبیل عین زربه (۲۸)، عین زربی (۲۹) و عین زربا (۳۰) ضبط شده و در ماخذ فرنگی Anazarbe (۳۱) آمده است شهری بوده است در مرز شام که اکنون در ترکیه واقع است و به آن Anavarza می گویند (۳۲). یا قوت می نویسد عین زربی (به فتح عین ع و زوسکون روال الف مقصوره) ناحیه ایست در حدود مصیصه (۳۳). وجه تسمیه آن را از زرب الفغم جای اغنام گرفته و در باره این شهر اصطلاح ثغر را بکار برده است. ثغر یا ثغور شهرهایی بوده اند در شمال و جنوب غربی شام (۳۴). این شهرها در قرون وسطی اهمیت زیادی داشته اند زیرا مرز رم شرقی با کشورهای اسلامی و مشرق زمین بوده اند و موقعیت سوق الجیشی آنها ایجاب می کرده کانون حوادث و رقابتهای سیاسی باشند. عین زرب یکی از شهرهای ثغور شمالی است که در زمان اصطخری (۳۵) شهری آباد و معروف بوده و کشتزارها و نخلستانهای بزرگ داشته است (۳۶). لسترنج به نقل از ابوالفداء و دیگران (۳۷) می نویسد در قرن دوم آباد بود. شهر در دامنه کوه قرار داشت و قلعه مستحکمى بر فراز کوه ساخته بودند. رود جیحان از جنوب شهر می گذشت و اطراف شهر را مزارع حاصل خیز فرا گرفته بود. و به این نکته اشاره می کند که در قرن هشتم اسم این شهر را تغییر داده ناوزرا کرده اند (۳۸). دیسکوریدس از نتیجه مطالعات خود کتابی پرداخت. این کتاب که در خواص گیاهان طبی و در واقع داروشناسی بود (۳۹) بزودی مشهور شد و آن قدر از لحاظ علمی

اهمیت پیدا کرد که در قلمرو اعراب و رومی ها و یونانی ها تادوره رنسانس یکی از مآخذ و مراجع بزرگ علمی بود (۴۰) . نوشته اند (۴۱) که جالینوس طبیب معروف قدیم گفته است : « من چهل کتاب در باره ادویه دیده ام هیچکدام مثل کتاب دیسکوریدس کامل نبوده است » (۴۲) .

تحقیق درباره نسخه های این کتاب اینجا ضرورتی ندارد ولی لازم است بدانیم که چاپ اول آن درونیز شده و Spengel چاپ دیگری از آن را که در لپزیک شده معرفی کرده است (۴۳) .

ترجمه های عربی و فارسی

کتاب دیسکوریدس در شرق و اندلس شهرت بسیار کسب کرد (۴۴) و در دوره خلافت متوکل عباسی (متوفی ۲۴۷ هـ) در بغداد به عربی ترجمه شد (۴۵) . ابن ندیم ترجمه این کتاب را به حنین بن اسحق و به قولی به حبیبش نسبت داده است (۴۶) . ولی ابن جلجل که کتابی به نام « تفسیر اسماء الادویه المفردة من کتاب دیسکوریدس » دارد در مقدمه آن می نویسد کتاب دیسکوریدس را اصطفی بن باسیل در بغداد و در عهد متوکل عباسی به عربی ترجمه کرد ولی چون در آوردن معادلهای عربی اصطلاحات یونانی مسامحه شده بود دوباره حنین بن اسحق آن را ترجمه و کامل کرد . (۴۷) از این ترجمه اصطفی بن باسیل نسخه هایی در دست است . آقای دکتر منجد سه نسخه را معرفی کرده است (۴۸) یکی در ایاصوفیا (ترکیه) بی تاریخ و با نقاشی های رنگین ، دیگر نسخه کتابخانه مادرید (اسپانیا) که دو بلر و طرث (۴۹) آن را چاپ کرده اند و سوم نسخه خوش خط خدا بخش پتنه هند که شاید در قرن هفتم هجری نوشته شده باشد .

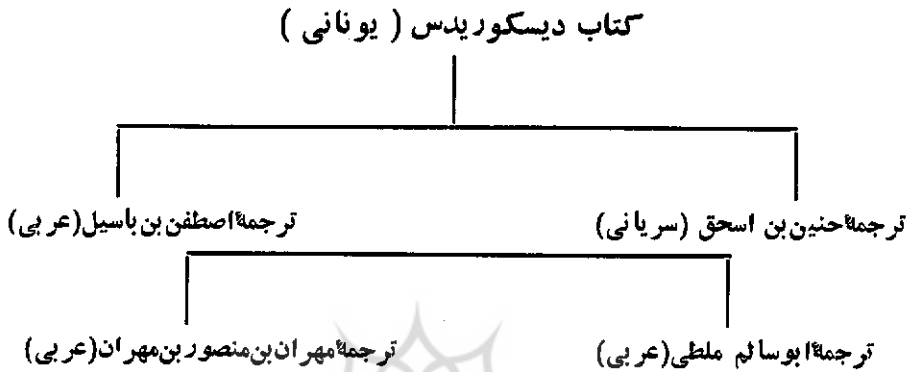
کتاب دیسکوریدس ترجمه دیگری به عربی دارد که مترجم آن مهران بن منصور بن مهران بوده است و خوشبختانه از این ترجمه نسخه نفیسی در کتابخانه آستانه مشهد موجود است .

از مهران مترجم کتاب اطلاع زیادی در دست نیست و منحصر است به آنچه خود او در دیباچه (مقدمه مترجم) نوشته است . در آنجا می گوید (۵۰) : کتاب دیسکوریدس را در زمان « بهلولان ثنور خسرو ایران ملک دبار بکر الب اینا نج قتلغ بك ابوالمظفر البی ابن تمر تاش بن ایل غازی بن ارتق شهاب » از سریانی به عربی ترجمه کردم و بعد این ملک دانش پرور را می ستاید (۵۱) . اگرچه این نوع ستایشها در دیباچه اغلب کتابهای قدیم هست ولی می رساند که الب ممدوح مهران در تشویق ارباب علم و هنر اهتمام داشته و منشاء خدماتی بوده است نظیر بستن جسبر قرمان و تاسیس بیمارستانی در میافارقین (۵۲)

در آن روزگار خاندان ارتق که آنها را در تاریخ بنو ارتق (۵۳) یا بنی ارتقیه (۵۴) خوانده‌اند در دیار بکر فرمانروایی داشته‌اند. سردودمان این خاندان یکی از سرداران ترکمان قشون سلجوقی بود بنام ارتق که بعد از فتح بیت المقدس (بوسیله تتش) در آنجا ماند و تشکیل سلسله کوچکی داد. دو پسر او سقمان و ایل‌غازی (۵۵) هر دوسر داربزرگی بودند مخصوصاً ایل‌غازی در جنگهای صلیبی یکی از قوی‌ترین دشمنان عیسویان بود. در سال ۵۰۲ حکومت ماردین به ایل‌غازی تفویض شد و در ۵۱۱ حلب را گرفت و در ۵۱۵ سلطان محمود سلجوقی حکومت ماردین و میافارقین را در دیار بکر به او سپرد (۵۶). در نتیجه شاخه‌ای از ارتقیه در ماردین وجود آمد که از ۵۰۲ تا ۸۱۱ هجری در آن دیار فرمانروایی کردند ولی در سال ۸۱۸ که امیر تیمور ماردین را گرفت و پس از آن قراقوینلوها آنجا را گرفتند طومار فرمانروائی این خاندان در نور دیده شد. (۵۷) اما این البالبی بن تمرتاش (۵۸) که مهران القاب ترکی و عربی برای او ذکر می‌کند نوۀ ایل‌غازی همان سردار معروف است (ایل‌غازی اول) (۵۹) که بعد از مرگ پدرش تمرتاش به سال ۵۴۷ جلوس کرده و در ۵۷۵ در گذشته است (۶۰) زامپاور لقب او را نجم‌الدین نوشته (مثل جدش ارتق) ولی مهران کینه‌اش را ابوالمظفر ذکر کرده است.

پیش از این اشاره کردیم که کتاب دیسکوریدس در اندلس و دیار بکر و سرزمین‌های خلافت شرقی شهرت داشت. برای اطلاع از سرگذشت این کتاب در آنجا می‌توان به شرحی که ابن‌جلجل می‌نویسد مراجعه کرد خلاصه مطلب اینست در سنه ۳۳۷ که عبدالرحمن بن محمد الناصر حاکم اندلس بود قیصر رم شرقی (قسطنطنیه) رمانوس دوم (Romain II) (۶۱) هدایایی برای او فرستاد که از جمله نسخه‌ای مصور از کتاب دیسکوریدس بود چون در قرطبه (مرکز اندلس) کسی زبان یونانی قدیم را خوب نمی‌دانست ناصر از ارمانیوس خواست که در این کار به او کمک کند و او راهی بنام نیکلا را فرستاد. نیکلا در سنه ۳۴۰ به قرطبه آمد و اطباء آنجا را به استفاده از کتاب دیسکوریدس و فهم اصطلاحات و اسامی یونانی کتاب راهنمایی کرد. این جلجل نام عده‌ای از اطباء اندلس و از جمله حسدای بن بشرط اسرائیلی را ذکر می‌کند و می‌نویسد می‌خواستند کتاب را ترجمه کنند. این بود تا ترجمه مهران بن منصور بن مهران پیدا شد. خود مهران در دیباچه کتاب می‌گوید اول بدستور عزالدین پسر عموی الب نجم‌الدین شخصی بنام ابوسالم ملطی (اهل ملطه) کتاب را ترجمه کرد ولی چون ملک نجم‌الدین آن را نپسندید من ترجمه کردم. من از ترجمه‌های که حنین از یونانی به سریانی کرده بود استفاده کردم و کتاب را به عربی در آوردم (۶۲).

بنابراین شجره ترجمه‌های کتاب دیسکوریدس بدین ترتیب می‌شود :



نسخه آستانه همین ترجمه مهران است و به قراری که آقای دکتر منجد تحقیق کرده تنها نسخه‌ای است که (۶۳) از این ترجمه باقی مانده است .

اسم کتاب

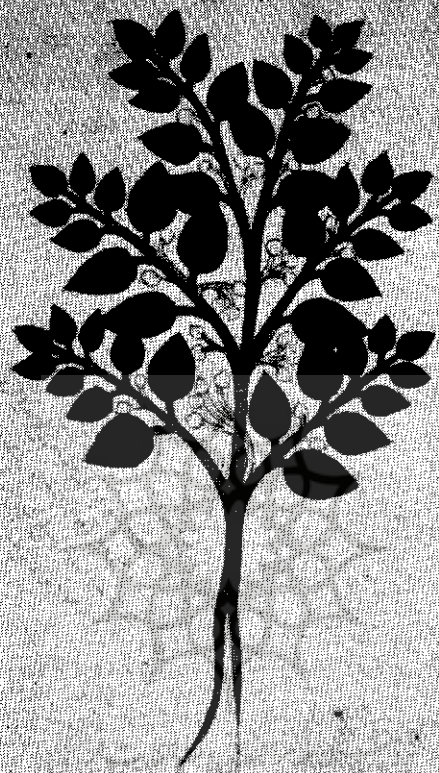
اسم این کتاب را مختلف نوشته‌اند: خواص الاشجار (۶۴) خواص الشجر والحيوان (۶۵) پنج مقاله ، مفردات (۶۶) ، الحشائش والادويه (۶۷) ، الحشائش و النباتات (۶۸) کتاب الادويه المفرده (۶۹) و در بعضی از مآخذ عربی: کتاب الحشائش (۷۰) یا هیولی علاج الطب (۷۱) ولی تمام این اسما - بغير از کتاب الحشائش - مبتنی بر سلیقه شخصی واستحسان است. به این معنی که غالباً با توجه به موضوع و مندرجات کتاب و یا اسمی که قدما روی ترجمه عربی کتاب دیسکوریدس گذاشته بودند، این اسما را ساخته‌اند . بهترین وسیله برای تشخیص حقیقت مراجعه به خود کتاب است. نسخه آستانه هفت مقاله دارد و در آخر هر مقاله عبارتی است که در آن غالباً به اسم کتاب اشاره شده است بدین قرار: در آخر مقاله اول کتاب دیسکوریدس (۷۲) ، در آخر مقاله دوم (۷۳) کتاب الحشائش ، در آخر مقاله سوم کتاب دیسکوریدس فی هیولی الطب (۷۴) ، در آخر مقاله چهارم (۷۵) کتاب الحشائش فی هیولی -

الطب، در آخر مقاله پنجم (۷۶) فقط اشاره به نقل از سریانی به عربی شده است، و در آخر مقاله ششم (۷۷) کتاب دیسکوریدس و در آخر مقاله هفتم (۷۸) کتاب دیسکوریدس المروری ا فی هیولی العلاج. بنابراین می توان نتیجه گرفت که اگر کتاب را الحشائش بنامیم شاید صحیح تر باشد.

مندرجات

به طوری که گفته شد کتاب الحشائش در باره گیاهان داروئی و یاطب گیاهی است. حشائش جمع حشیش است و حشیش در عربی به معنی گیاه خشک بریده شده و یا گیاه خشک آمده است و در فارسی این کلمه را به معنی گیاه طبی استعمال کرده اند (۷۹). مطالبی که در این کتاب آمده مبتنی بر طب قدیم و یا به عبارت صحیح تر بر پایه فلسفه قدیم است و نمونه کاملی از این نوع مطالب را در کتابهایی مثل تحفه حکیم مومن که بعدها با استفاده از این کتاب و نظایر آن بدست نویسندگان متأخر گسترش پیدا کرده است می توان ملاحظه کرد. صفات اربعه خشکی و تری و سردی و گرمی که در فلسفه عناصر ارسطو توسعه پیدا کرده و اخلاط اربعه و مطالبی از این قبیل پایه علمی این کتاب را تشکیل می دهد. کتاب هفت مقاله دارد ولی مقاله ششم و هفتم را بعضی الحاقی دانسته اند (۸۰) و معتقدند بعدها بر اصل کتاب افزوده و یا ضمیمه شده است. در ابتدای نسخه چند صفحه فهرست گیاهان و داروهاست و این فهرست که برای بررسی مطالب کتاب بسیار مفید و مهم است دقت یا اهتمام نویسنده و مولف کتاب را آشکار می کند. احتمال می رود این فهرست را از نسخه اصلی اقتباس کرده باشند زیرا در آخر آن عبارتی است «تم القوذیکس وهو الفهرست» که در آن کلمه قوذیکس که معرب کدکس لاتین است بکار رفته و می رساند در نسخه اصل بوده است. فهرست مختصری هم که مرحوم افسر با استفاده از یادداشت های مرحوم بدایع نگار ترتیب داده، به جای خود سودمند و قابل استفاده است. مقاله اول در باره افاویه (جمع افواه به معنی ادویه طعام مثل فلفل = دیک افزار - المنجد) و روغن های طبی و معطر و میوه ها و شموغ (باید صموغ باشد جمع ضمغ زیرا شموغ نداریم و شموغ هم از شمع نیامده و مناسبتی ندارد) از ۱۷ تا ۷۲ آ. مقاله دوم در باره انواع حیوانات و خواص آنهاست از ۷۲ تا ۱۲۵ ب. مقاله سوم راجع است به عصاره ها (افشره - اسانس) و اصول (شاید ریشه ها) و حشائش (گیاهان داروئی و خشک) و دانه های

بسم الله الرحمن الرحيم
والله اعلم بالصواب
فمنه استغوث
والله اعلم بالصواب



تتمت مقالة
كتابنا
مؤلفه
الشيخ
العلامة
الفاضل
الشيخ
العلامة
الفاضل
الشيخ
العلامة
الفاضل

گیاهی از ۱۲۶ تا ۱۸۲ ب . مقاله چهارم بقیه مقاله سوم است از ۱۸۳ تا ۲۵۳ ب . موضوع مقاله پنجم معادن و خمور (جمع خمر است : عصیر ، مخمر ماده خمیری - المنجد) است از قبیل کرم الخمر (کرم به ضم ك = رز) از ۲۵۴ تا ۲۸۰ ب . در مقاله ششم خواص ادویه و تاثیر آنها شرح داده شده است از ۲۸۱ تا ۲۸۳ آ . مقاله هفتم که ناتمام مانده در باره سایر حیوانات سمی و گزنده و امراض حیوانات است از ۲۸۳ ب تا آخر نسخه .

معرفی نسخه

نسخه الحشائش آستانه تاریخ تحریر ندارد ولی آقای دکتر منجد احتمال داده است باید متعلق به قرن هفتم هجری باشد . (۸۱)
نسخه‌ای است بسیار نفیس و گرانها اما به قول معروف آخر آن کهنه کتاب اقتاده است . به خط نسخ درشت نوشته شده و در رسم الخط آن تا اندازه ای تاثیر خط فارسی دیده می‌شود مثل سه نقطه در زیر س اینست می‌توان احتمال داد نسخه در ایران نوشته شده و یا کاتب آن ایرانی بوده است . ۲۸۵ ورق بزرگ دارد به ابعاد ۳۰ × ۴۶ سانتی‌متر و هر صفحه ۱۹ بیت یا سطر کتابت دارد . امتیاز این نسخه بداشتن مبلغ زیادی نقاشی رنگین اصیل و قدیمی است که بعضی از آنها بسیار جالب و دیدنی است مانند بلسان (۲۸ آ - ۲۸ ب) انواع نی (۵ ب) ، ورد یا گل سرخ (۵۷ آ) ، درخت الفجنگشت (۵۸ آ) و مخصوصاً اشکال حیوانات نظیر خرچنگ (۲۷۵ آ) .

در این نقاشی‌ها رنگهای مختلف : سبز ، زرد ، آبی ، قرمز ، پلاسی ، پیازی ، بنفش خاکستری ، نیلی ، قهوه‌ای ، زنگاری بکار رفته است با داروهائی مانند شنجرف (سولفور گیوه) - لاجورد - نیل - طلا (طلای عربی) - سفیداب (سولفور روی) - اخری (اکسید آهن) . عنوانها - اغلب به طلاست و گاهی هم از شنجرف استفاده شده است .

کتاب را خراب کرده‌اند

این کتاب به صحافی رفته و تیغ بی‌دریغ صحاف لبه او را را بجدی بریده است که بعضی جاها شکلها کمر بر شده است (مثلاً ۹۳ ب - ۹۹ آ - ۱۱۹ ب - ۱۲۳ ب - ۲۸۵ ب نمونه‌ای است از این خراب کاری) . در فهرستی که مرحوم اعتماد السلطنه یا

صنیع الدوله در آخر جلد دوم مطلع الشمس (۸۲) از کتابهای آستانه ترتیب داده و آنها را بر حسب موضوع دسته بندی کرده است در جزو کتابهای طبی کتابی به نام شجار الاویه (ظاهراً منظور ش اشجار الاویه بوده است) ذکر شده است که مشخصات آن با این نسخه تطبیق می کند و در آنجا جلد آنرا قرمز می نویسد معلوم می شود پس از او کتاب صحافی واز نو جلد شده است .

واقف نسخه

واقف این نسخه راه شاه عباس نوشته اند دلیل شرحی است که در صفحه اول کتاب دیده می شود : «هو- وقف نمود این کتاب را کلب آستانه علی بن ابی طالب علیه السلم عباس الصفوی بر آستانه مقدسه رضویه علی صاحبها الف التحیه که هر کس خواهد بخواند و ثواب آنرا بروح پر فتوح شاه جنت مکان فردوس آشیان شاه طهماسب انا الله برهانه قربت نمودند مشروط آنکه از ان آستانه بیرون نبرند هر که بیرون برد شریک خون امام حسین علیه السلم بوده باشد ۱۰۱۷ هـ . اینها را به خط درشت و با مرکب سیاه پر رنگ نوشته اند .

واقف و کتابت این کتاب از طرف آستانه علی بن ابی طالب علیه السلم عباس الصفوی بر آستانه مقدسه رضویه علی صاحبها الف التحیه که هر کس خواهد بخواند و ثواب آنرا بروح پر فتوح شاه جنت مکان فردوس آشیان شاه طهماسب انا الله برهانه قربت نمودند مشروط آنکه از ان آستانه بیرون نبرند هر که بیرون برد شریک خون امام حسین علیه السلم بوده باشد ۱۰۱۷ هـ . اینها را به خط درشت و با مرکب سیاه پر رنگ نوشته اند .

دست نویس ها

در صفحه اول کتاب مقداری یادداشت به خط عمال آستانه دیده می شود . نوع این یادداشتها همان است که در اغلب نسخه های آستانه هست (۸۳) و غالباً عبارت عرض دیده شد یا داخل عرض شد (سرمه) است با امضا و تاریخ و گاهی مهرمسجع .



(نمونه های از متن - بخار پوشت)

أما الجزمنا فهو لذيقه تفرق للمعدة مليلا للطن من البوان حتى غير عرقه ببع ان يكط بالادوية
الى نقل البرن ان يركه راد العرق نبت لفته القزح الرخند و يمنع من ان يبيد
القزح لجزم ايد ٥
لوا الرقن خط بالرقن لخطبه دالتك التا لشره لراه فاما لجزم لاذ جفف ر شرب مع
فاما جلال القفد البريه

تفهادست نویس ارزنده و قابل توجهی که در این نسخه نفیس هست اشعاری است از فردوسی که اگر چه تاریخ کتابت آن در صحافی ابتر شده ولی احتمال می رود در قرن دهم نوشته شده باشد از این قرار :

هو . حکیم فردوسی فرماید

نخواهد ز تو کژی و کاستی
ازوهم (۸۴) نوید و بدو هم امید
سزدگر بچون و چر ان تکریم (۸۵)
از اندیشه دل (۸۶) برفشانم همی
پی مور برهستی او کشان (۸۸)

خداوند هستی و هم راستی
خداوند بهرام و کیوان و شید
اگر کشته گر مرده هم بگذریم
ستودن مر او را ندانم همی
ازوگشت پیدازمین وزمان (۸۷)

همان گوهر دانش و آب پاک (۸۹)
روان ترا آشنای دهنده

ز گردنده خورشید تا تیر خاک
بهستی یزدان گواهی دهند

واقف الفراع من نقله من اللغة السرياني الى اللغة العربي واعساره وهو نقل اول
وادكار الرمان نسجه سبيح ووضوح المبرهن ذلك انما سماه
وسلو الكهده اطعماله الحامسه عالما ان اخرازمي و بعضهم ايها محولان للمد الى
دكتور مدرس العرري والله اعلم

[آخر مقاله پنجم]

در روز پنجشنبه هشتم ربیع الاول سنه ست وستین و تسعمائه (۹۰) نوشته شد (۱۸۰)

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

- ۱- این اسم را در کتابخانه آستانه به کتاب داده اند . اسم واقعی و شرح مطلب بعد از این خواهد آمد .
- ۲- این عقیده آقای دکتر منجد است . رك «مقدمه كتاب الحشائش الادويه» از آقای دکتر صلاح الدین منجد چاپ مطبعه هاشمیه دمشق ص ۱۲ .
- ۳- منظور محمد هاشم میرزا افسر است . مرحوم افسر از رجال سیاسی و شعرای بزرگ قرن اخیر خراسان بود . دیوان شعرش به اهتمام آقای پارسا تویسرکانی در سال ۱۳۲۱ ش. ه در طهران چاپ شده است و شرح حال او در مقدمه دیوان (از صفحه ج تا ح) مذکور است .

۴- شماره ۱ سال ۲ آذر ۱۳۰۵ ش . ه .

۵- مجله دبستان ص ۲۵

۶- در عهد اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر کمیونی مامور اصلاح امور آستانه شد و از جمله صورت برداری و فهرست نویسی کتابهای آستانه برعهده هیاتی محول گشت. نسخه های ماشینی گزارش کمیسیون مزبور که در سال ۱۳۰۶ ش ۵ برای تقدیم به دربار تهیه شده موجود است و نسخه ای از آنرا آقای محمود فرخ در کتابخانه خود دارند. مرحوم افسر یکی از اعضای این هیات بوده است و دیگران به قراری که در آن ذکر شده عبارت بوده اند از: آقای شیخ محمد خالصی (برادر مرحوم خالصی که در مشهد دفتر اسناد رسمی داشت)، آقا میرزا مرتضی قلی خان (نایب التولیه وقت و برادر میرزا رضا خان نایینی معروف به قاضی نور که کتابخانه نفیس خود را وقف بر آستانه کرد)، حاج عمادالمحققین واعظ طهرانی (در مشهد به او عماد فهرستی می گفتند)، آقامیرزا سید علی اکبر شهیدی ثقة الاسلام (استاد علامه دکتر فیاض) و آقای او کتائی رئیس سابق کتابخانه (تاریخچه اصلاحات دوره پهلوی در اوضاع آستانه قدس و مقایسه آن با ما قبل ص ۱۰)

۷- کتاب دیگر مفید الخاص بوده است و من در باره آن مقاله ای دارم. رک نشریه فرهنگ خراسان سال اول شماره ۴-۵

۸- مجله دبستان ص ۲۵

۹- مرحوم بدایع نگار از رجال معروف مشهد بوده است تاریخ وفات او را ۲۲ ذی قعدة ۱۳۴۳ ق. ه نوشته اند (ضمیمه تاریخ علمای خراسان از آقای ساعدی ص ۲۶۰) مجله الکمال را در برابر یا به تقلید الهلال مصر در مشهد می نوشت شعر معروف، البدایع نگار را دیدم پشت المیز الاداره خویش

را برای او ساخته اند چون به عربی دانی تظاهر می کرده است (هفتاد سالگی فرخ مقاله آقای پروین گنابادی).

۱۰- معرب کدکس Codex به معنی قرآبادین یا علم ادویه، این فهرست در اول نسخه است (۱-ب - ۱۳آ)

۱۱- فصل شانزدهم، کتب خطی طب ص ۱۴

۱۲- این آمار نمی دانم درست و دقیق هست یا نه اما نوشته اند «۷۴۷ اشکال اشجار و نباتات» و «۱۴۸ صورت انسان و حیوانات» دارد.

۱۳- فهرست آستانه ص ۱۶

۱۴- ص ۱۲

۱۵- Diosorides، در فرانسه Diosoride رک La grande Encyclopédie

V, 14, P. 620

۱۶- کشف الظنون - فهرست ابن ندیم - دکتر منجد - دیسکوریدس

۱۷- نسخه آستانه آخر مقاله سوم

۱۸- طبقات ابن جلیجل چاپ قاهره ۱۹۵۵ ص ۱۲- عیون الانباء ابن ابی اصیبه چاپ

مصر ۱۲۹۹ ج ۱ ص ۳۵

۱۹- حواشی فواد سید بر طبقات ابن جلیجل ص ۲۱ پاورقی

- ۲۰ - الفهرست چاپ مطبعه رحمانیه مصر ص ۴۰۷
- ۲۱ - عیون الانباء ج ۱ ص ۳۵
- ۲۲ - ایضاً
- ۲۳ - ج ۳ فصل ۱۶ ص ۱۴
- ۲۴ - از قبیل شجارالله در طبقات ابن جلیجل یا خارج عنا در عیون الانباء از قول حنین. در هر حال بحث در اینکه اسم او به چه معنی بوده است موردی ندارد و اگر داشته باشد شاید قول و تحقیق فوادسید (محشی ابن جلیجل) صحیح تر باشد که می نویسد ماخوذ از اسم دوخدای توامان یونانی است و جزء اخیر کلمه به معنی ابن یا پسر است (طبقات ابن جلیجل ص ۲۳ پای صفحه). برای اطلاع از سرگذشت افسانه ای Dioscures پسران همزاد زئوس رجوع کنید به فرهنگ اساطیر یونان و رم ترجمه آقای دکتر بهمنش (ج ۱ ص ۲۶۱-۲۶۰)
- ۲۵ - دائرة المعارف بزرگ فرانسه ج ۱۴ ص ۶۲۰ - مطرح الانظار فیلسوف الدوله ص ۳۶۹ پاورقی - حواشی فواد سید بر طبقات ابن جلیجل .
- ۲۶ - حاجی خلیفه در کشف الظنون می نویسد: « داوم اربعمین سنة علی معرفة منافعها حتی وقف علی منافع البزور والحبوب والقشور واللبوب وصنف واخبر به تلامذته »
- ۲۷ - همه مآخذ مربوط از قبیل: الفهرست تاریخ یعقوبی ، منتخب صوان الحکمه
- ۲۸ - ترجمه فارسی مسالك وممالك اصطخری ص ۵۵-۶۶
- ۲۹ - معجم البلدان ج ۶ ص ۵-۲۵۴ ، سرزمینهای خلافت شرقی ص ۱۳۸
- ۳۰ - مطرح الانظار ص ۳۶۹ پاورقی
- ۳۱ - La grande Encyclopédie V : 14 , P : 620
- ۳۲ - حواشی طبقات ابن جلیجل ص ۲۱
- ۳۳ - معجم البلدان ج ۶ ص ۵-۲۵۴
- ۳۴ - سرزمینهای خلافت شرقی ص ۱۳۸
- ۳۵ - ایضاً
- ۳۶ - ترجمه فارسی ص ۶۶
- ۳۷ - سرزمینهای خلافت شرقی
- ۳۸ - ایضاً
- ۳۹ - De Materia Medica
- ۴۰ - La grande Encylopédie . V . 14 , P , 620
- ۴۱ - عیون الانباء ابن ابی اصیبعه چاپ مصر ج ۱ ص ۳۵
- ۴۲ - این مضمون در فهرست آستانه به این شکل در آمده است: « فاضل اطباء که در ۵۶۹۴ بعد از هبوط ظاهر شده گوید چهارده کتاب در عقاقیر (جمع عقار است و عقار ریشه دار و گیاه طبی را گویند - نفسی) مفرده از مؤلفات حکمای سابق مطالعه نمودم بتمامیت کتاب دیسکوریدس عین زری ندیدم» (ج ۳ فصل ۱۶ ص ۴۶)
- ۴۳ - دائرة المعارف بزرگ فرانسه

۴۴- دکتر منجد فهرستی دارد از کتابهایی که با استفاده از کتاب دیسکوریدس نوشته شده (۷ ققره) و در ضمن ذکر اسامی علمای شرق که از کتاب دیسکوریدس استفاده کرده‌اند می‌نویسد ابوعلی سینا هم در بخش ادویه مفرده قانون از این کتاب استفاده کرده است ص ۸-۹
فواد سید نیز فهرستی دارد شامل ۱۰ ققره (ص ۱۱-۱۰)

۴۵- رساله دکتر منجد ص ۴ - حواشی ابن جلجل ص ۲۲

۴۶- ص ۴۰۸

۴۷- حواشی ابن جلجل ص ۲۲

۴۸- ص ۱۱

۴۹- **Elias Terès و Cesar Dubler** در سالهای ۱۹۵۲-۱۹۵۷ چاپ کرده‌اند .
فواد سید نیز در این زمینه توضیحاتی داده است (ص ۲۳) و نسخه عکسی کتاب دیسکوریدس را که در کتابخانه مصر (دارالکتب مصر) از روی نسخه ایاصوفیا تهیه کرده‌اند معرفی کرده است .

۵۰- رساله دکتر منجد ص ۲۲

۵۱- منجد ص ۲۲

۵۲- ایضاً - میافارقین جزو جزیره بوده است (بلاد بین النهرین علیا). رگ سرزمینهای-

خلافت شرقی ص ۱۲۰-۱۱۹

۵۳- معجم الانساب، ترجمه عربی کتاب زامباور ج ۲ ص ۳۴۴

۵۴- طبقات سلاطین اسلام ص ۱۴۸

۵۵- ایضاً

۵۶- دیاربکر شامل سرزمینی است که شمالی‌ترین بلاد بین‌النهرین علیا محسوب می‌شود عربها به این سرزمین جزیره می‌گفتند . نام آنرا مشتق از اسم قبیله‌ای می‌دانند که در عهد ساسانیان و پیش از اسلام به آنجا کوچ کرده بودند. ماردین نیز یکی از شهرهای معروف همین سرزمین بوده است . رگ سرزمینهای خلافت شرقی ص ۹۳ و ص ۱۰۴

۵۷- طبقات سلاطین اسلام

۵۸- تیمورتاش و تمورتاش هم ضبط شده ولی لهجه است (معجم الانساب ج ۲ ص ۳۴۵

و یاورقی) و همچنین الب را الپ ضبط کرده‌اند (ایضاً). گرچه بوپ را در قدیم مثل هم می‌نوشته‌اند ولی چون کلمه ترکی است با پ صحیح‌تر بنظر می‌رسد . الب به معنی زرد است الب ارسالن یعنی شیر زرد در قبال قزل‌ارسلان، شیر سرخ .

۵۹ - ایل غازی ثانی هم بوده است . قطب الدین ایل غازی ثانی در محرم ۵۷۵ بر

تخت نشست. رگ معجم الانساب

۶۰- طبقات ص ۲۲

۶۱ - رساله دکتر منجد ص ۵ یاورقی - به نقل از کتاب مرگ و زندگی بیزانس تالیف

Brehier. رمانوس دوم پسر رومانوس لکانیوس زنی بد اخلاق و آدم کش به نام **Theophano** داشت که او را مسموم کرد و دوپسر و دو دختر از او باقی ماند (تاریخ عمومی قرون وسطی تالیف شیبانی ج ۲ ص ۳۴۵) .

- ۶۲- رساله دکتر منجد ص ۲۵
 ۶۳- ایضاً ص ۱۲
 ۶۴- فهرست آستانه ج ۳
 ۶۵- مرحوم انسر؛ مجله دبستان
 ۶۶- فهرست آستانه
 ۶۷- دکتر منجد
 ۶۸- فوادسید، حواشی طبقات ابن جلیجل
 ۶۹- ایضاً
 ۷۰- الفهرست
 ۷۱- حواشی طبقات ابن جلیجل
 ۷۲- ۷۲ آ
 ۷۳- ۱۲۵ ب
 ۷۴- ۱۸۲ ب
 ۷۵- ۲۵۳ ب
 ۷۶- ۲۸۰ ب
 ۷۷- ۲۸۳ ب
 ۷۸- ۲۸۵ آ
 ۷۹- فرهنگ نفیسی
 ۸۰- و اضاف الیهامقالتین فی الدواب والسموم وقیل ان المقالتین منحولتان الیه (الفهرست ص ۴۰۸)
 ۸۱- مقدمه کتاب الحشائش والادویه ص ۸۲
 ۸۲- ج ۲ ص ۴۹۸
 ۸۳- نامه آستان قدس ش ۴ ص ۶۸
 ۸۴- اشعار از داستان کاموس کشانی است و با چاپ مسکو و بروخیم اختلافاتی دارد چاپ مسکو از اویم بدویم- چاپ بروخیم، کزویست امید و نوید (و در اول یکی دو کلمه مقدم موخر است)
 ۸۵- چاپ مسکو و بروخیم این بیت را ندارد .
 ۸۶- هردو چاپ : جان پرفشانم
 ۸۷- هردو چاپ : مکان وزمان
 ۸۸- هردو چاپ نشان (بهتر است)
 ۸۹- چاپ مسکو اگر باد و آتش همان آب پاک- چاپ بروخیم؛ همان باد و آب آتش تا بنک
 ۹۰- ۹۶۶ ولی چون در صحافی بریده شده و درست خوانده نمی شود ممکن است غیر از این باشد .